

# بررسی و نقد کتاب تاریخ بیداری ایرانیان

مرتضی تبارکی<sup>1</sup>

محسن پرویش<sup>2</sup>

## چکیده

انقلاب مشروطه در تاریخ ایران بدون شک دارای اهمیت فراوانی است و شناخت بهتر آن مستلزم پژوهش‌های متنوعی در این زمینه است که می‌بایست پیرامون موضوعات مختلف و مرتبط صورت گیرد. آثار نویسندگان دوره مشروطه، مهم‌ترین منابع آگاهی‌بخش کنونی از آن دوره چالش‌برانگیز است. در این مقاله به نقد و بررسی کتاب تاریخ بیداری ایرانیان اثر ناظم‌الاسلام کرمانی پرداخته می‌شود که جزو مهم‌ترین کتاب‌های قابل استناد در دوران مشروطه است و تلاش می‌شود بینش و روش مشروطه‌خواهان به‌طور روشن‌تری آشکار گردد.

واژگان کلیدی: انقلاب مشروطه، ناظم‌الاسلام کرمانی، تاریخ بیداری ایرانیان.

## Tarikh-e Bidariy-e Iran (The history of Iranian vigilance): A critical review

Morteza Tabaraki<sup>3</sup>

Mohsen Parvish<sup>4</sup>

### Abstract

The constitutional revolution of Iran plays a significant role in the history of this country. For gaining a better understanding of this revolution we should maintain many various researches on different but connected topics. The works written by the writers of the constitutional revolution age are the best source for knowing better this controversial era. As a very important book from this period, in this paper we are reviewing Tarikh-e Bidariy-e Iran (The history of Iranian vigilance) written by Nazim-al Islam-e Kermani. In respect to this book, this review is aimed to show the method and endeavors of the constitutionalists.

**Keywords:** The constitutional revolution, Tarikh-e Bidariy-e Iran (The history of Iranian vigilance), Nazim-al Islam-e Kermani.

1. دانشجوی کارشناسی ارشد تاریخ ایران دوره اسلامی، دانشگاه شهید بهشتی

2. کارشناس ارشد تاریخ ایران دوره اسلامی دانشگاه بین المللی امام خمینی قزوین.

3. MA Student of the History of Islamic Iran, Shahid Beheshti University. Email: [mortaza.tabaraki@gmail.com](mailto:mortaza.tabaraki@gmail.com)

4. MA of History the History of Eslamic Iran, Imam Khomeini Onternational University, Gazvin.

## مقدمه

دوران مشروطه از ادوار مهم تاریخ معاصر ایران به‌شمار می‌رود. دیو استبداد در شرایطی ابهت دیرین خود را باخته بود که گسترش ارتباطات با دیگر ملل، مردم را از حقوق خود آگاه ساخته و محیطی پر جنب و جوش را فراهم کرده بود. نویسندگانی که خارج از کشور به‌سر می‌بردند، مردم را از وقایع روزانه باخبر می‌ساختند و اندیشمندان هوشیار و زمانه‌شناس، در پی ثبت و ضبط وقایع روزانه بودند. از جمله کسی که سهم عمده‌ای در تاریخ‌نویسی عصر مشروطه دارد و اثر او مورد توجه تمامی پژوهشگران عصر قاجار می‌باشد، ناظم‌الاسلام کرمانی است.

میرزا محمد، فرزند علی‌محمد شریف کرمانی در سال 1280 ق در کرمان متولد شد. مقدمات فارسی و عربی و فقه و اصول و منطق را در همان‌جا آموخت و در محرم سال 1309 ق در سن بیست و هشت یا بیست و نه سالگی برای تکمیل تحصیلات به تهران آمد.<sup>5</sup> در تهران در درس‌های میرزا ابوالحسن جلو، شیخ هادی نجم‌آبادی و سید محمد طباطبایی،<sup>6</sup> از جمله رهبران مشروطه حاضر شد و افکارش روشن‌تر از گذشته گردید. او در آن زمان به سید محمد طباطبایی پیشنهاد داد مدرسه‌ای به سبک جدید تاسیس کند تا به اعتبار آن، مردم به علوم جدید بیشتر رغبت نشان دهند. طباطبایی پذیرفت و «مدرسه اسلام» را بنیان نهاد.

ناظم‌الاسلام در این مدرسه مشغول به تدریس شد و به‌عنوان رئیس مدرسه انتخاب و به‌فرمان علی‌اصغر اتابک، صدراعظم وقت به «ناظم‌الاسلام» ملقب گردید. این مدرسه در محله «خونگاه»<sup>7</sup> واقع شده بود که سرپرستی آن برعهده ناظم‌الاسلام بود. وی در این اوقات به تالیف و ترجمه کتاب دست زد و در سال 1321 ق مقامات حریری را به فارسی ترجمه کرد ولی توفیق چاپ آن را نیافت. با نزدیک شدن به دوره مشروطه‌خواهی و آغاز زمزمه آزادی‌خواهی، به سیاست و روزنامه‌نویسی پرداخت. در ماه صفر 1325 ق، کوکب دری را منتشر کرد، روزنامه‌ای که پیش از آن با عنوان نوروز منتشر می‌شد.<sup>8</sup>

ناظم‌الاسلام در دوران استبداد صغیر گرفتار مضیقه مالی بود. چندی بعد از استقرار مشروطیت، ناظم‌الاسلام با افزایش سن و مواجهه شدن با مشکلات مالی، مجاهده و تلاش برای گذران زندگی

5. یحیی آرین پور، از صبا تا نیما، چ 4 (تهران: زوار، 1372)، ص 119-118.

6. جمعی از نویسندگان، فرهنگ نامه نام آوران، چ 1 (بی‌جا: نشر طلائی، 1378)، ص 355.

7. جورج پ. چرچیل، فرهنگ رجال قاجار، ترجمه غلامحسین میرزا صالح، چ 1 (تهران: نشر زرین، 1369)، ص 194.

8. همان‌جا.

در تهران را رها کرد و یکبارہ تصمیم گرفت که بقیه عمر خود را در زادگاهش بگذراند و به صلاحدید دوستان قدیمی‌اش، سمت قاضی عدلیه کرمان را پذیرفت. وی به‌علت تب و عوارض آنفلانزا در سال 1337 ق (1297 ش) در کرمان درگذشت<sup>9</sup> و در مقبره سید علویه به خاک سپرده شد. علاوه بر کتاب تاریخ بیداری ایرانیان، آثار دیگری نیز از وی بجا مانده است که می‌توان به خلاصه العوامل، شمس التصاریف، علائم الظهور المهدی الموعود و اصول عقاید اشاره کرد.<sup>10</sup>

ناظم‌الاسلام مورخی مردمی بود که به هیچ نهاد دولتی وابستگی نداشت. نمونه‌اش این‌که از لحاظ مالی در تنگنا بود و مجبور به فروش وسایل منزل خود شد. او جزو مشروطه‌خواهان و آزادی‌خواهان بود و به‌خاطر ارادت و رابطه‌ای که با مجاهدان داشت در محافل آن‌ها شرکت می‌جست و مذاکرات و گفتگوهای آنان را می‌شنید و ثبت می‌کرد. وی ابتدا قسمتی از یادداشت‌هایش را به‌صورت پاورقی در روزنامه کوکب دری - که خود مدیر و ناشرش بود - منتشر کرد. ظاهراً توجه مردم به این پاورقی‌ها وی را به فکر چاپ و نشر جزوه‌های مستقلی با عنوان تاریخ بیداری ایرانیان انداخت.

این اثر به صورت جزوات هفتگی و به خط نسخ و حواشی و پاورقی به خط نستعلیق با چاپ سنگی و نقاشی صورت اشخاص و با کیفیتی تقریباً مناسب در پنجاه و پنج جزوه شانزده صفحه‌ای منتشر شد. ناظم‌الاسلام وقایع پیش از ذی‌حجه 1322 را نیز در هفده جزوه با عنوان مقدمه تاریخ بیداری ایرانیان منتشر کرد و در این جزوه‌ها گزارشی از مهم‌ترین وقایع دوره پادشاهی ناصرالدین‌شاه و مظفرالدین‌شاه را نوشت. برای اولین بار، میرزا حسن طهرانی این یادداشت‌ها را به خط شمس‌الکتاب چاپ سنگی کرد. سید محمد هاشمی کرمانی این کتاب را به‌انضمام شرح‌حالی نسبتاً کامل از مؤلف و مقدمه‌ای درباره کتاب، با حروف سربی و جلد ممتاز منتشر کرد. چاپ سوم بنابر سرلوحه کتاب، ظاهراً به یادگار جشن‌های تاج‌گذاری در سه مجلد و به اهتمام علی‌اکبر سعیدی سیرجانی منتشر شد. چاپ چهارم و پنجم نیز در دو مجلد نشر یافت.

## اوضاع سیاسی - اجتماعی

شیوه حکمرانی ناصرالدین‌شاه در حقیقت ادامه استبدادی بوده که سابقه چندصد ساله در ایران داشت. شاه در رأس هرم و ظل‌الله بود. هر آن‌چه به مذاق پادشاه خوش می‌آمد قابل اجرا بود و

9. هوشنگ اتحاد، پژوهشگران معاصر ایران، ج 4، چ 1 (تهران: فرهنگ معاصر، 1380)، ص 311-310.

10. پرویز ناتل خانلری و یوسف هروی، اثر آفرینان، ج 6، چ 1 (تهران: دانشگاه تهران، 1380)، ص 13.

خوانین و حکام برای مردم بینوا هیچ حقی قائل نمی‌شدند. ناامنی در مال و جان مردم به‌وضوح دیده می‌شد. شاه، گاهی اموال تجار و کسانی که سرمایه زیادی داشتند را مصادره می‌کرد. بیشتر مردم ایران از نعمت سواد بی‌بهره بودند. آن‌ها نه تنها از رخدادهای سیاسی کشورهای دیگر خبر نداشتند بلکه از وقایع کشور خود نیز بی‌اطلاع بودند.

در این دوران دو قدرت بزرگ آن زمان یعنی روس و انگلیس با کمک نیروهای داخلی وابسته دربار موفق به نفوذ و دخالت مستقیم و غیرمستقیم در ایران شدند. هدفی که این دو قدرت بزرگ در نظر داشتند، کسب امتیازات بزرگ از شاه ایران به‌مدت چندین سال بود که به استقلال ایران ضربه می‌زد. «ناصرالدین شاه در نیمه دوم این قرن [قرن نوزدهم] یعنی دوران نارضایی فزاینده اقتصادی، دخالت رو به گسترش قدرت‌های خارجی و نارضایی فزاینده سیاسی داخلی با وظیفه ناخوشایند حفظ تمامیت ارضی کشور در چارچوب نظام قدیم روبرو بود... به‌راستی در این سه دهه واپسین است که جلوه‌های روشنی از فروپاشی اجتماعی - اقتصادی رخ می‌نماید: گسترش حوزه اقتدار امپراطوری‌های خارجی، فروش امتیازات تجاری، انباشت وام‌های خارجی، افزایش کسری تراز پرداخت‌ها، کاهش سریع ارزش پول، ناآرامی فزاینده اجتماعی - سیاسی، سست شدن کنترل مرکزی بر ایالات و ولایات و جز این‌ها»<sup>11</sup>

### ناظم‌الاسلام و مشروطه

ناظم‌الاسلام در جریان مشروطه‌خواهی حضور داشت و از نزدیک شاهد وقایع بود. او با محافل آزادی‌خواهی<sup>12</sup> به‌طور مستقیم ارتباط داشت. آشنایی و مصاحبت او با سید محمد طباطبایی به‌عنوان مغز متفکر مشروطیت، دلیلی بر گرایش او به مشروطه و آزادی است که در فعالیت‌های فرهنگی‌اش از قبیل انتشار روزنامه کوکب دری و پرداختن به تاریخ مشروطیت قابل مشاهده است. «مسلمانم گرایش سید محمد [ناظم‌الاسلام] به اصول تجدد و آرای اصلاح‌طلبانه، نتیجه تعلیمات و تلقینات میرزا آقاخان کرمانی بوده که خود از نخبگان روزگار خویش و از منادیان افکار جدید بود»<sup>13</sup> او با پیشامد واقعهٔ رژی و انحصار تنباکو و برخاستن زمزمه آزادی‌خواهی در شمار طلاب تجددخواه

11. محمدعلی همایون کاتوزیان، اقتصاد سیاسی ایران، ترجمه محمد رضا نفیسی و کامبیز عزیزی، چ 7 (تهران: نشر مرکز، 1379)، ص 71-72.

12. این محافل در دفاع از مشروطیت برگزار می‌شد.

13. عبدالحسین نوایی، قرائت متون تاریخی به زبان فارسی، چ 1 (تهران: سمت، 1378)، ص 273.

درآمد.<sup>14</sup> ناظم‌الاسلام در طی دیداری که با سید محمد طباطبایی داشت، علاج سیاسی و اجتماعی را از او جویا می‌شود، و طباطبایی آگاه نمودن مردم به حقوق خود که وظیفه روشن‌فکران است را گوشزد می‌کند.

او در منزلش اولین جلسه انجمن مخفی را تشکیل داد و از منابع چنین برمی‌آید که جمعیت مزبور دارای دو هدف مبارزه با فساد شاه و نفوذ بیگانگان بوده است. در جلسات اولیه این گروه جدیدالتأسیس، یادداشت‌های سیاحتنامه ابراهیم بیگ و مقالات روزنامه *حبل‌المتین* خوانده می‌شد و قرائت این مقالات که معرف ترقی کشورهای دیگر در زمینه‌های مختلف بود، هیجان زیادی در حضار برانگیخت و تمام اعضاء بر این عقیده بودند که علت عقب ماندگی ایرانیان بر اثر جهالت و نقص تعلیم و تربیت می‌باشد.<sup>15</sup> از صورت جلسات انجمن مخفی معلوم می‌شود که ترس از استبداد و نفوذ دولت‌های بیگانه به‌خصوص روس و انگلیس و اعتقاد به اصلاح فرهنگ از مهم‌ترین مسائل مورد بحث بوده است.<sup>16</sup> به‌هرحال، انقلاب مشروطه ایران تحت تأثیر عوامل مختلف شکل گرفت و طبقات روحانی، تجار، اصناف و روشن‌فکرانی همچون ناظم‌الاسلام و عموم مردم هر کدام به سهم خود به مشروطه کمک کردند.

### معرفی کتاب

تاریخ بیداری ایرانیان تألیف ناظم‌الاسلام کرمانی از یک مقدمه و پنج جلد تشکیل شده است که در دو مجلد انتشار یافته است؛ مقدمه و جلد‌های اول و دوم و سوم در مجلد اول و جلد‌های چهارم و پنجم در مجلد دوم گردآوری شده است. مقدمه کتاب خود بر چند فصل استوار است که مطالبش به این شرح است:

ناظم‌الاسلام در فصل نخست، تاریخ بیداری ایرانیان را با شرح زندگی رجالی آغاز می‌کند که به گمان او در ایجاد آگاهی اجتماعی موثر و مبدع فکر مشروطیت بوده‌اند. از این‌روست که شرح زندگی کسانی چون میرزا آقاخان کرمانی، شیخ احمد روحی، حاج شیخ ابوجعفر فقیه کرمانی و توصیف واقعه رژی را می‌آورد و به دعوی میان علما و دربار بر سر این امتیاز پرداخته و نامه‌ها و تلگراف‌های متعددی را که میان طرفین رد و بدل شده آورده است.

14. علی‌اکبر دهخدا، لغت‌نامه، ج 47 (تهران: دانشگاه تهران، 1339)، مدخل «ن».

15. اسماعیل راین، انجمن‌های سری در انقلاب مشروطه (تهران: جاویدان، بی‌تا)، ص 176.

16. همان، ص 177.

ناظم‌الاسلام در فصل دوم به شرح حال آزادی‌خواهان و یکی از رهبران مشروطه، سیدمحمد طباطبایی می‌پردازد و سومین فصل را به زندگانی امیرکبیر اختصاص داده است. از نظر مؤلف، نقطه شروع ترقی ایرانیان دوران صدارت امیرکبیر است که در این زمان مردم نیز با تلاش برای احقاق حقوق خود بیدار شدند. در فصل چهارم به افرادی هم‌چون سید جمال‌الدین اسدآبادی و میرزا رضا کرمانی قاتل ناصرالدین شاه می‌پردازد و صورت استنطاق او را می‌توان در این فصل جست و جو کرد.

زندگانی شاه مستبد ناصرالدین شاه در فصل پنجم آمده است. فصل ششم هم در شرح حال افرادی همچون مظفرالدین‌شاه، سپهسالار، میرزا ملکم خان، امین‌الدوله و دیگران است. از فحوای کلام مؤلف در این فصل چنین برمی‌آید که به عقیده وی خرابی ایران از دوره پادشاهی ناصرالدین شاه آغاز شده است و او و مظفرالدین‌شاه را پادشاهانی دمدمی مزاج معرفی می‌کند. عیاشی، منفعت‌طلبی شخصی و استبداد رأی وی موجب از دست رفتن بخش‌های زیادی از مملکت و رواج «رعیت‌کشی» و مهاجرت عده‌ای ایرانیان به خارج از کشور برای رهایی از ظلم و ستم شد. استمرار همان اوضاع در روزگار مظفرالدین‌شاه به همراه اخذ وام‌های متعدد از روسیه و واگذاری گمرکات ایران به آن کشور - که به تجارت ایران آسیب جدی می‌رساند - در ربط با تلاش‌های بیدادگران ایران به خیزش مردم منجر شد.

مطالب جلد اول کتاب از تاریخ دوم ذی‌حجه 1322 شروع می‌شود. در ادامه شرح جلسات انجمن مخفی و شرح حال محمدعلی‌شاه و واقعه کرمان در 1323 را بیان می‌دارد. جلد دوم کتاب با هجرت صغری شروع می‌شود. در ادامه درخواست‌های مهاجرین، تکفیر مظفرالدین‌شاه توسط بهبهانی، مکتوبات و عرایض علما و مردم به مظفرالدین‌شاه و شرح جلسات انجمن مخفی دوم بیان می‌شود.

نویسنده جلد سوم را با موضوع توطئه‌های عین‌الدوله آغاز می‌کند و در ادامه تاریخ جمادی‌الاول 1324 و موضوع مقتول شدن سید عبدالحمید، مهاجرت کبری، تحصن ملت در سفارت‌خانه انگلیس، شرح حال مشیرالدوله، امضای فرمان مشروطیت، بازگشت مهاجرین از قم، تشکیل اولین مجلس در مدرسه نظامیه، نظامنامه انتخابات مجلس شورای ملی و در پایان فهرست وقایع سلطنت مظفرالدین‌شاه را بیان می‌کند.

مطالب جلد چهارم با وقایع ماه شوال 1324 و موضوع قرارداد وام روس و انگلیس به ایران آغاز می‌شود و تا آخر ماه ذی‌حجه 1326 را شامل می‌شود. جلد پنجم با وقایع ماه محرم 1327 و ذکر موضوعات فتح تهران و پناهنده شدن محمدعلی‌شاه به سفارت روس و عزل از سلطنت و

انتصاب احمدشاه به پادشاهی ادامه یافته و با شرح محاکمه و اعدام شیخ فضل‌الله نوری به پایان می‌رسد.

به‌نوشته یحیی آرین‌پور: «تاریخ بیداری بنا به گفته مولف مشتمل بر یک مقدمه و ده کتاب بوده و نویسنده قصد داشته که بقیه آن را برای زمان بعد از خود بگذارد که مانعی در نشر مطالب آن نباشد ولی ظاهراً به تنظیم همه مجلدات کتاب توفیق نیافته یا قسمتی از یادداشت‌ها از میان رفته است.»<sup>17</sup> تنها یک صفحه که حاوی وقایع دوازدهم تا چهاردهم رمضان 1329 بوده، باقی مانده است. قابل ذکر است که نام کتاب *تاریخ بیداری ایرانیان* با محتوای آن مطابقت دارد. چرا که مردم ایران در صدد بودند با مبارزات مشروطه‌خواهی از ظلم و ستم حاکمان نجات یابند. مسافرت‌های شاه به اروپا، ولخرجی‌های شاهانه، واگذاری امتیازات به اتباع بیگانه و گشوده شدن دروازه‌های ایران به روی کالاهای خارجی سبب شده بود که تمام رعایای ایران در تکالیف زندگی به سختی بیفتند و مردم از حکومت متنفر شوند. روشن‌فکران ایرانی نیز در این میان سهم عمده‌ای داشتند و تلاش کردند مردم را از خواب غفلت بیدار و چشم آن‌ها را به روی عقب‌ماندگی ایران بکشایند. از این‌رو ناظم‌الاسلام شرح حال این روشن‌فکران را می‌نویسد و نقطه شروع ترقی ایرانیان را همان‌طور که گفته شد، دوران صدارت امیرکبیر می‌داند.

### سبک نگارش و نثر کتاب

سبک نگارش کتاب بر نوشتن وقایع سالیانه استوار است. مولف حوادث مربوط به مشروطیت و شرح حال رجال این دوره را به ترتیب روز، ماه و سال گردآوری کرده است.<sup>18</sup> بعد از این‌که حوادث یک سال را می‌پردازد به سراغ سال بعد و حوادث آن سال اشاره دارد. نثر دوره مشروطه نثر حد واسط بین دوره قدیم (نثر دوره قاجار) و نثر دوره جدید (پهلوی) است. در دوره فتح‌علی‌شاه، عباس میرزا افرادی را برای آموختن علوم جدید به اروپا فرستاده بود که از ثمرات این حرکت، ایجاد چاپ‌خانه در ایران، انتشار روزنامه و رواج سفرنامه‌نویسی و خاطره‌نویسی است. به هر حال رایحه افکار و تمدن جدید به ایران هم رسیده بود. نیاز اصلی دوره مشروطه این بود که افکار جدید و آزادی‌خواهانه با زبانی ساده به مردم منتقل شود. از این‌رو نثر روزنامه‌ها

17. آرین‌پور، ص 119.

18. شمس‌الدین نجمی، گاهشمار تاریخ کرمان، ج 1 (کرمان: انتشارات مرکز کرمان‌شناسی، بی‌تا)، ص 16.

می‌بایست مردمی و ساده و موجز باشد.<sup>19</sup> تاریخ تحول این نثر به اواسط سلطنت ناصرالدین شاه برمی‌گردد.<sup>20</sup> زرین کوب در بیان این که مخاطبان شب‌نامه‌ها و رساله‌های سیاسی دوره مشروطیت، توده مردم بودند می‌نویسد: «نثر جراید برای عامه ناچار زبانی ساده و روان و بی‌پیرایه می‌خواست و چون شتابی هم که در انتشار منظم جراید روزانه در کار بود، نویسندگان را مجال تأمل و تکلف نمی‌داد. رفته رفته اسلوب منشیانه و متکلف گذشته منسوخ شد و البته چهل به اسالیب قدما و عدم انس به آثار متقدمان هم از اسباب عمده این ساده‌گرایی بود.»<sup>21</sup>

نثر کتاب تاریخ بیداری ایرانیان جزو نثرهای دوره چهارم تقسیم‌بندی چهارگانه می‌باشد و بیشتر تحت تاثیر اروپا و سبک متقدمین است. نثر کتاب ساده و روان است اما مؤلف در موارد متعددی از کلمات فرنگی همانند «پارلمان، پلیس، راپورت» استفاده می‌کند. ادوارد براون در تاریخ ادبیات ایران، کتاب را از لحاظ سبک و جمله‌بندی و استناد بر تاریخ‌های عمومی و از قلم افرادی چون رضاقلی‌خان هدایت و لسان‌الملک سپهر برتر دانسته است.<sup>22</sup>

در مجموع می‌توان نثر کتاب تاریخ بیداری را نثری دانست که اکثریت افراد باسواد معنی و مفهوم جملات آن را به سادگی درمی‌یابند. شاید به‌خاطر همین است که باستانی پاریزی در بیان نثر کتاب می‌گوید: «...به عقیده من نثر ناظم‌الاسلام یکی از شیواترین نثرها و دلپسندترین سبک‌های انشائی عصر اخیر است، به‌طوری که گمان کنم حتی از میرزاآقاخان و ملکم هم شیواتر و ساده‌تر بیان مطلب نموده و این یکی از بزرگ‌ترین خدمت‌هایی است که در قرن اخیر نسبت به نثر فارسی و در نتیجه بقا و ادامه زبان ما، در برابر هجوم لغات بیگانه شده است.»<sup>23</sup>

## دیدگاه تاریخ‌نگاری مؤلف

ناظم‌الاسلام سبب تالیف تاریخ بیداری ایرانیان را عاری بودن کتب تاریخی ایران از هرگونه جنبه‌های عبرت‌آموزی برای آیندگان ذکر کرده و نوشته که پیوسته در این اندیشه بوده که به سبک مورخان اروپایی کتابی در تاریخ ایران بنگارد و نکات تاریخی را در آن مندرج سازد و از سنت تاریخ نویسی حاکم بر جامعه آن دوره عدول نماید. وی در مقدمه کتاب می‌آورد:

19. سیروس شمیسا، سبک شناسی، چ 2 (تهران: انتشارات دانشگاه پیام نور، 1375)، ص 135.

20. یعقوب آژند، ادبیات نوین ایران، چ 1 (تهران: امیر کبیر، 1363)، ص 344.

21. عبدالحسین زرین کوب، نقد ادبی، ج 2، چ 3 (تهران: امیرکبیر، 1361)، ص 638.

22. برای آگاهی بیشتر نک: ادوارد براون، تاریخ ادبیات ایران، ج 4، ترجمه بهرام مقدادی (بی‌جا: بی‌نا، 1369)، ص 361.

23. محمدابراهیم باستانی پاریزی، «نامه‌ای از پاریس»، مجله سخن، ش 240، شهریور 1350، ص 176.



گاهی از درس و تدریس و تالیف و تصنیف علوم متداوله معموله زمان دماغم خسته و خاطر م را ملالی حاصل می‌شد، قدری مشغول مطالعه کتب تواریخ و وقایع گذشته می‌شدم تا آینده را از گذشته قیاس کنم و از حوادث ماضیه عبرت گیرم. پس از مطالعه کتب تاریخ ایرانی؛ آنچه مقصود بود نیافته، زیرا که بعضی از آن کتب پر بود از شرح حالات سلاطین به عبارات متملقانه که گویا هر پادشاهی مداحی مخصوص داشته که عیوب او را مستور کرده... و برخی مملو بود از تعصبات مذهبی که اشخاص جاهل برای جذب قلوب عامه جمع نمود و کم‌کم جزو تاریخ قرار داده اند...»<sup>24</sup>

ناظم‌الاسلام عبرت‌آموزی از حوادث گذشته را علت تالیف کتابش می‌داند و نمی‌خواهد از فردی بدون دلیل ستایش کند و می‌خواهد مانند مورخان غربی تاریخی بنگارد که عیناً هر آنچه روی می‌دهد ذکر شود. وی هر آنچه را که دیده یا شنیده، نوشته است و چون به محافل آزادی‌خواهی آن زمان راه داشت توانست گفتگوهای آنان را ثبت و ضبط کند و نظر خود را در بسیاری از موارد بر آنها بیفزاید. البته این نکته فراموش نشود که کمتر به تحلیل رویدادها می‌پردازد. به عبارت دیگر جنبه توصیفی مطالب بر تحلیل آنها غلبه دارد.

ناظم‌الاسلام مورخی مشیت‌گرا است. او اراده خداوند را در وقوع حوادث مؤثر می‌داند. مثلاً در ذکر علت فرار محمدعلی شاه به سفارت‌خانه روس این‌گونه می‌گوید: «مشیت خداوندی و خواست خداوندی...»<sup>25</sup> یا در جایی دیگر می‌نویسد: «امورات دست خداوند است آنچه خداوند مقدر فرموده است خواهد شد. اگر مقدر شده باشد من کشته شوم به هر جا که فرار کنم کشته خواهم شد و اگر...»<sup>26</sup> با این توضیحات می‌توان تاریخ‌نگاری او را از نوع لاینیک (خطی) دانست، چون به صورت تکاملی رفتار می‌کند.

## امتیازات کتاب

این کتاب محاسنی دارد که در این جا به برخی از آنها اشاره خواهد شد:

---

24. میرزا محمد ناظم‌الاسلام کرمانی، تاریخ بیداری ایرانیان، به اهتمام علی‌اکبر سعیدی سیرجانی، ج 3 (تهران: آگاه، 1361)، ص

7-8.

25. همان، ج 5، ص 501.

26. همان، ج 4، ص 176.

- (1) امتیاز مهم این کتاب، اخبار و اطلاعات دسته اول است که از مذاکرات و گفتگوهای سیاسی رهبران مشروطه تهران، به‌ویژه، سیدمحمد طباطبایی، به‌دست می‌دهد. این امتیاز، محصول ارتباط بسیار نزدیک چندین‌ساله ناظم‌الاسلام و طباطبایی است.
- (2) ناظم‌الاسلام خود در بطن حوادث و وقایع انقلاب مشروطه بوده و با بسیاری از بزرگان مشروطه حشر و نشر داشته است. از وقایعی که می‌دیده، یا می‌شنیده، یادداشت‌هایی بر می‌داشته که مجموع آن‌ها یک کتاب مستند از تاریخ مشروطه به یادگار گذاشته است.
- (3) آوردن عین تلگرافات و اعلان‌ها و مکاتبات مبادله‌شده بین سران نهضت مخالفین و موافقین از ویژگی‌های برتر این کتاب است که آن را از حالت خاطره‌نویسی صرف خارج کرده و آن را مستندتر گردانده است. ناظم‌الاسلام درباره تلگرافات چنین می‌نویسد: «مقصود ما از درج تلگرافات علما این است که خواننده تاریخ بدانند که با اقدام علمای اعلام و همراهی آن‌ها از مجلس و مشروطیت باز چگونه مستبدین اخلال و وسوسه می‌نمایند.»<sup>27</sup>
- (4) در این کتاب درباره شاه و امرایی که در رأس امور بودند، دور از مدح و ثنایی که شیوه متداول زمان بود به بحث و انتقاد پرداخته شده است و از مجتهدین و رهبران آزادی که در راه مشروطیت خدمات صادقانه ای انجام داده‌اند به نیکی یاد می‌کند.

### نقاط ضعف کتاب

- اگرچه کتاب تاریخ بیداری ایرانیان دارای اطلاعات با ارزش و سودمندی است اما معایبی نیز دارد که به برخی از آن‌ها اشاره خواهد شد:
- (1) یکی از معایب این کتاب، تناقض‌گویی‌های مؤلف است. به‌عنوان مثال در صفحه 19 مقدمه کتاب، صدور حکم معروف ممنوعیت استعمال تنباکو را به میرزای آشتیانی نسبت می‌دهد: «جمعی از عقلا خدمت مرحوم حاج میرزا حسن مجتهد آشتیانی رسیده معایب متضمنه و مستتره در این کار<sup>28</sup> را عرضه داشتند. هم علمای اصفهان ضرر و عاقبت و نتایج مترتبه بر آن نوشتند. لذا مرحوم میرزای آشتیانی حکم به حرمت استعمال دخانیات کرده و حکمی به این عبارت نوشتند و نسبت آن را به مرحوم حجت‌الاسلام حاج میرزا حسن شیرازی دادند و منتشر ساختند.»<sup>29</sup> این در حالی است که خود

27. همان، ج 4، ص 123.

28. منظور اعطای امتیاز دخانیات به کمپانی رژی است.

29. همان، مقدمه، ص 19.

مؤلف ذکر کرده که میرزای شیرازی آن را به قلم خود می‌داند. یا در تلگراف میرزای شیرازی به امام جمعه تهران آمده است: «...از صدور حکم سابق و ارتفاع آن سوال فرموده بودید بلی سابقاً حکم کرده‌ام.»<sup>30</sup> در تلگراف میرزای شیرازی به شهرهای تبریز و اصفهان و شیراز صریحاً به صدور حکم به‌دست خود اشاره شده است.<sup>31</sup>

2) استناد ناظم‌الاسلام به شنیده‌های خواننده را به شک و تردید وا می‌دارد که شاید بعضی از مطالب واقعی نباشد. از آن‌جا که از واژه‌های «مسموع شد» و «شنیده شد» زیاد استفاده می‌کند بر شدت این امر افزوده است. به عنوان مثال در جایی از کتابش می‌گوید: «از قراری که مسموع افتاد سردار ارشد از رفتن به آذربایجان منصرف گردیده و روانه اصفهان شده است که اولاً دفع صمصام بختیاری را بنماید...»<sup>32</sup> در صورتی که در بیان حوادث یکشنبه 17 ذی‌حجه می‌نویسد: «امروز جناب حاج جلال‌الملک مذکور داشت سدیدالملک برادر سردار ارشد را در بازار سراج‌ها دیده، از حالات سردار مستفسر شدم، مذکور داشت الان در قزوین می‌باشد...»<sup>33</sup> این در حالی است که خودش اعتراف می‌کند که «اخبار و اراجیف زیاد است به حدی که من در این روزنامه حالات خود آنچه را می‌نویسیم، محل وثوق و اعتماد نیست، مگر آنچه را که خود دیده‌ام.»<sup>34</sup>

3) مؤلف وقایع و رویدادهایی که اتفاق می‌افتد را علت‌یابی نمی‌کند و به تحلیل آن نمی‌پردازد. در صورت تحلیل هم به‌ندرت از سطح وقایع فراتر می‌رود. شاید قرار گرفتن در درون حوادث و عدم آشنایی لازم با روش‌های نوین تاریخ‌نویسی، امکان شناخت منطق رخدادها و سطوح زیرین حوادث را برای مولف با دشواری و محدودیت همراه می‌ساخت.

4) نهضت مشروطیت ایران یکی از مهم‌ترین وقایع تاریخ ایران است. صرف نظر از تمامی رخدادهای حاشیه‌ای و فراز و نشیب‌هایی که بر آن حادث شد، حضور گسترده مردم، سرفصل جدیدی در حوادث سیاسی اجتماعی ایران محسوب می‌شود. وجه مشخصه انقلاب مشروطه، حرکت زن و مرد ایرانی پس از سال‌ها استبداد و اختناق در صحنه سیاسی بود. زنان به‌عنوان عضو فعال جامعه، حرکت‌های متنوع و متعددی را در سراسر این جنبش به‌عهده گرفتند، چندان که اعتراضات را امکان‌پذیر ساخته و از لحاظ مالی و نظامی و اخلاقی به مشروطه‌خواهان کمک رسانده‌اند. اما مؤلف

30. همان، مقدمه، ص 44.

31. برای آگاهی بیشتر نک: همان، مقدمه، ص 45.

32. همان، ج 2، ص 275.

33. همان‌جا.

34. همان، ج 5، ص 339.

در کتابش هیچ اشاره‌ای به نقش زنان در انقلاب مشروطیت نکرده است. زنان ملی‌گرای ایرانی هم‌چنین در جنبش حمایت از کالای بومی و عدم خرید منسوجات وارد شده اروپایی مشارکت کردند. یا در تاسیس بانک ملی زنی که شغلش رخت‌شویی بود به مجلس آمد و با پرداخت یک تومان خواستار مشارکت در امر تاسیس بانک ملی شد.<sup>35</sup> یا در تحصن حرم عبدالعظیم، زنان ساکن در آن‌جا به بالای بام‌های صحن رفتند و آماده شدند تا اگر سربازان شلیک و به مرقد بی‌احترامی کردند، تفنگچیان را سنگ‌باران کنند.<sup>36</sup> این پایان تلاش و فعالیت زنان نبود. آن‌ها به انتشار روزنامه‌ها هم پرداختند که یک روزنامه شایان توجه، نشریه‌ای به‌نام دانش بود که در تهران به سال 1328 ق توسط زوجۀ میرزا حسین‌خان کحل انتشار یافته است.<sup>37</sup> احمد کسروی می‌نویسد: «یکی از زنان، به‌نام زن حیدرخان تبریزی و گروهش وظیفه داشتند در موقع شلوغی با چماق‌هایی که در زیر چادر خود پنهان می‌کردند از جان علما محافظت کنند.»<sup>38</sup> پس بهتر بود که ناظم‌الاسلام بخشی از کتاب تاریخ بیداری ایرانیان را به این تلاش‌ها اختصاص می‌داد.

5) مؤلف به هنگام فتح تهران توسط آزادی‌خواهان و چند روز قبل از آن به نقش ستارخان و مجاهدان آذربایجان اشاره‌ای نکرده است. این در حالی است که او در مدت یازده ماه از 20 جمادی الاول 1326 تا 8 ربیع الثانی 1327 رهبری مجاهدین تبریز را بر عهده داشت و مقاومت شدید و طاقت‌فرسای اهالی تبریز در مقابل چهل هزار نفر قشون دولتی، با راهنمایی و رهبری او انجام گرفت، به‌طوری که شهرت او به خارج از مرزهای کشور رسید و در غالب جراید اروپایی و امریکایی هر روز نام او با خط درشت ذکر می‌شد و درباره مقاومت‌های سرسختانه وی مطالبی انتشار می‌یافت. 6) یکی از گوشه‌های تاریخ مشروطیت قتل اتابک امین السلطان است. منابع مشروطه بی‌آنکه این مطلب را موشکافی کنند این ماجرا را در حد اشاره ذکر و از آن گذر کرده‌اند. در تاریخ بیداری نیز مطلب قابل‌اعتنایی مندرج نیست و ناظم‌الاسلام به همین بسنده می‌کند که «شخصی به اسم عباس آقای تبریزی به تحریک انقلابیون قفقاز او را از پای درآورد. قتل اتابک یکی از روزنه‌های امید برای دستیابی به تفاهم را بست و از آن پس حوادث شتابی افزون‌تر گرفت.»<sup>39</sup> مورخان در مورد قتل اتابک عوامل مختلفی را مطرح می‌کنند. برخی قتل اتابک را نتیجه دسیسه

35. یحیی دولت‌آبادی، حیات یحیی، چ 1 (تهران: نشر جاویدان، 1362)، ص 26.

36. مرتضی شیرودی، «زنان پیش از مشروطه»، مجله زمانه، س 5، ش 48 (شهریور 1385)، ص 14.

37. ادوارد براون، مطبوعات و ادبیات ایران، ج 2، ترجمه محمد عباسی (تهران: نشر معرفت، 1333)، ص 45.

38. احمد کسروی، تاریخ مشروطه ایران، چ 17 (تهران: امیرکبیر، 1373)، ص 69.

39. کرمانی، ج 1، ص 295.

چینی سعدالدوله، رقیبش می‌دانند. گروهی محمدعلی شاه<sup>40</sup> را توطئه‌گر قتل امین‌السلطان معرفی می‌کنند. عده‌ای هم عقیده دارند قتل اتابک از نشانه‌ها و نتایج حصول توافق میان روسیه و انگلستان در مورد تقسیم ایران به دو حوزه نفوذ بود که پس از آن دیگر نمی‌بایست در کار هم کارشکنی کنند. گروه اخیر استدلال می‌کنند امضای قرارداد معروف 1907 مبنی بر تقسیم حوزه نفوذ دو ابرقدرت وقت در ایران، درست روز بعد از قتل اتابک، نمی‌توانسته تصادفی باشد.

7) اگرچه نمی‌توان از اطلاعات با ارزش این کتاب غافل شد اما کاستی‌های کتاب و مصلحت‌اندیشی‌های مولف را نیز نمی‌توان نادیده گرفت. برخی از مطالب کتاب در موقع چاپ توسط خود نویسنده بازنویسی و تغییر داده شده است. خود ناظم‌الاسلام علت این تغییر و تحریف وقایع و کتمان حقایق را ترس از برخی افراد می‌داند و می‌نویسد: «بنده نگارنده مقاله‌ای به‌عنوان نقض عهد نوشتم و آن از ترس چند نفر مفسد بود و الا خود معتقد به صحت آن نمی‌باشم...الیوم نگارنده از شاه و درباریان نمی‌ترسم ولی از متکلمین و سیدجمال<sup>41</sup> و سایر مفسدین نهایت خوف و ترس را دارم.»<sup>42</sup> شاید این سخن را بتوان این‌گونه بیان کرد که گذشته از ترس مفسدین و تهدید آن‌ها، ناظم‌الاسلام بیش از حد محافظه‌کاری را سرلوحه کار خود قرار داده است. گویا او نمی‌خواهد برخلاف گفته کسی مطلبی بنویسد، بلکه می‌خواهد مطالبش خوشایند همه باشد و نمی‌خواهد باعث رنجش دوستان و اطرافیان شود. با این‌که ناظم‌الاسلام خودش می‌نویسد «اول کسی که توپ به طرف مجلس خالی کرد ارشدالدوله بود، اول کسی که درب مجلس را به روی قزاق باز نمود ارشدالدوله بود...»<sup>43</sup> ولی در صفحات بعد نسبت به او چاپلوسی و تملق می‌کند «ارشدالدوله خالصاً مخلصاً خدمت به ملت و مشروطیت می‌نمود»<sup>44</sup> یا «باری ارشدالدوله خدمت نمایان به مشروطیت نمود و اعتباری در نزد ملت پیدا و حاصل نمود.»<sup>45</sup>

8) ناظم‌الاسلام بعد از به توپ بستن مجلس<sup>46</sup> و تعطیلی مشروطه لحن خود را تغییر داده و جانب احتیاط را در پیش گرفته است. یادداشت‌هایش در این دوره غالباً با عباراتی که حاکی از ترس

40. مهدی‌قلی‌خان هدایت، خاطرات و خطرات، ج 4 (تهران: زوار، 1375)، ص 158.

41. مراد سیدجمال واعظ می‌باشد.

42. کرمانی، ج 4، ص 154.

43. همان، ج 4، ص 164.

44. همان، ج 4، ص 196.

45. همان‌جا.

46. خود او از آن با عنوان «یوم التوب» یاد می‌کند.

است نوشته شده است. او گاهی نیز از نوشتن وقایع خودداری کرده و حتی به سران مشروطه تاخته و ملک‌المتکلمین و سیدجمال واعظ را متهم کرده که مشروطه را بهانه دخل خود کرده‌اند. هم‌چنین از جهل مردم نالیده و آن را مانع ترقی دانسته است. «این مردم جاهل و رجاله می‌باشند نه مشروطه می‌دانند و نه دین و نه خدا و نه پیغمبر را، این نیست مگر از جهل و نادانی.»<sup>47</sup> یا در جای دیگر می‌نویسد: «...ملک‌المتکلمین دلش برای مشروطه نسوخته بود.»<sup>48</sup> آجودانی نویسنده مشروطه ایرانی در مورد این دوران زندگی ناظم‌الاسلام می‌نویسد: «ناظم‌الاسلام، در روزگار ترس‌خوردگی و اختناق بعد از به توپ بستن مجلس، ایام ترک‌تازی‌های محمدعلی‌شاه و روحانیون ضد مشروطه، بیشتر از سر ترس و کمتر از سر اعتقاد در انتقاد از مشروطه سخنانی بر زبان می‌آورد.»<sup>49</sup>

(9) جنبش روستائیان در دوره مشروطه دامنه کمابیش وسیع داشته است. در اغلب مناطق روستایی کشور این جنبش‌ها دیده می‌شد. آذربایجان یکی از مراکز اصلی بود. در مناطقی همچون اصفهان، یزد، بم و کرمان، دهقانان در برابر تحمیل و فشارهای ماموران دولت سر برافراشتند. هم‌چنین چندصد تن از زارعان رشت با تجمع در مسجد خواهر امام رشت اعلام کردند که به مالکان مال‌الاجاره نخواهند داد، در انزلی علیه مالکان شورش روی داد، در تولم صومعه‌سرا مردم روستایی، پیشکاران و فراشان ارباب و حکومت را به باد کتک گرفتند و در فومن، مردم مالک صاحب نام آن شهر یعنی حاجی سیدرضی مقیمی را وادار به فرار به تهران کردند. در کسما، صدیق‌الرعا را کشتند. در گرگان رود تالش و در دیلمان مردم علیه ارفع‌السلطنه و مشیرالممالک علم طغیان برافراشتند. در مازندران رعایای محمولی‌خان تنکابنی مرکز قدرت او را غارت کردند.<sup>50</sup> این تنها قسمت کوچکی از این جنبش‌ها بود، در حالی که ناظم‌الاسلام هیچ اشاره‌ای به آن‌ها ندارد.

(10) مولف با توجه به فضای سیاسی زمان خود، سخنش را تغییر می‌دهد که می‌توان آن را ناشی از ترس یا احتیاط او دانست. مثلاً در اولین جلسه تشکیل انجمن مخفی از پادشاه معاصرش مظفرالدین‌شاه تمجید می‌کند اما در پاورقی همان صفحه می‌نویسد: «آنچه از مدایح این پادشاه گفتم به مقتضای آن عصر بود که غیر از این ممکن نبود گفته شود.»<sup>51</sup>

47. همان، ج 4، ص 163.

48. همان، ج 4، ص 206.

49. ماشاءالله آجودانی، مشروطه ایرانی، ج 1 (تهران: نشر اختران، 1382)، ص 486.

50. سهراب یزدانی، کسروی و تاریخ مشروطه ایران، ج 2 (تهران: نشر نی، 1383)، ص 40.

51. کرمانی، ج 1، ص 247.

## تاریخ بیداری از نگاه دیگران

کتاب تاریخ بیداری ایرانیان منبع بسیاری از مورخان تاریخ مشروطیت بوده که دیدگاه‌های متفاوتی نسبت به آن دارند.

1) احمد کسروی در تاریخ مشروطه ایران از ناظم‌الاسلام به دلیل این که چاپلوسانه امیر اعظم را که نقشی نداشته از سران آزادی شمرده، انتقاد می‌کند.<sup>52</sup>

2) مهدی ملک‌زاده مولف تاریخ مشروطیت ایران معتقد است اگرچه تاریخ بیداری ایرانیان دارای مطالب سودمندی است ولی چون ناظم‌الاسلام قسمت اعظم کتاب را به شرح محافل سری اختصاص داده و اقدام وی و یارانش نیز در این محافل در پیدایش مشروطیت ثمری نداشته است می‌توان نتیجه گرفت که این کتاب برای خوش‌آیند کسانی که در آن زمان می‌زیسته‌اند تالیف شده است. وی همچنین معتقد است که ناظم‌الاسلام مطالب دور از حقیقت را جعل کرده و موجب لکه‌دار شدن تاریخ این دوره شده است.<sup>53</sup>

3) محمدابراهیم باستانی پاریزی مطالب کتاب را صددرصد واقعی و صادقانه دانسته و معتقد است که اعترافات ناظم‌الاسلام در احوال خصوصی خود و ترسی که پس از به‌توپ بستن مجلس بر او عارض شده بود حاکی از صدق و صحت بقیه مطالب است.<sup>54</sup>

4) به‌نظر محقق دیگری، تاریخ‌نگاری فارسی با پیدایش نهضت مشروطیت شروع شد. این نهضت که با پیروزی مشروطه‌خواهان پایان یافت، بی‌تردید با اهمیت‌ترین واقعه‌ی سیاسی و اجتماعی تاریخ ایران در دوره اسلامی بود. از میان تحولات اساسی و بی‌شماری که از این جنبش ناشی شد، یکی اصلاح و نوزائی تاریخ‌نگاری فارسی بود. مولف این کتاب، ناظم‌الاسلام کرمانی در فراهم‌آوردن تاریخی که نخستین بار به بررسی زندگی قشر وسیعی از مردم ایران پرداخت، اجتهادی اصیل و بسیار توفیق‌آمیز به‌عمل آورد. موضوع، منابع، استنادات و شیوه‌ی ساده انشاء تاریخ بیداری، این اثر را نسبت به هر تاریخ فارسی پیش از آن در سطحی بسیار بالاتر قرار می‌دهد.<sup>55</sup>

5) به‌گفته یکی از پژوهش‌گران، «کتاب تاریخ بیداری مجموعه‌ای است از خاطرات شخصی، گفته‌های دیگران، اسنادی که به‌طور کامل نقل می‌شوند بی‌آن که حتی گاه به موضوع بحث نویسنده

52. کسروی، ص 4.

53. مهدی ملک‌زاده، تاریخ انقلاب مشروطیت، ج 1، چ 3 (تهران: نشر علمی، 1371)، ص 8-9.

54. باستانی پاریزی، ص 170.

55. حافظ فرمانفرمایان، «نکاتی چند درباره مشکلات تاریخ نویسی در ایران»، بررسی‌های تاریخی، س 1، ش 5 و 6 (اسفند 1345)،

ص 173-174.

مربوط باشند. جنبه گزارش‌نویسی و سالنامه‌نگاری بر آن‌ها غالب است. تقریباً هیچ تحلیلی وجود ندارد. رویدادها و اسناد مواد خامی هستند که در اختیار خواننده قرار می‌گیرند. بدین ترتیب در این کتاب هنوز سنت تاریخ‌نویسی پیش از مشروطه حفظ می‌شود.<sup>56</sup>

### نتیجه‌گیری

ناظم‌الاسلام نویسنده‌ای است که خود مراحل مختلف مشروطیت را درک کرده و با بسیاری از بزرگان مشروطه همچون طباطبایی حشر و نشر داشته است. او عضو انجمن مخفی بود که حدود دو سال قبل از انقلاب مشروطه ایجاد شده و به نوعی کمیته انقلاب به حساب می‌آمد؛ انجمنی که در آگاه کردن مردم نسبت به حقوق خود و عقب‌ماندگی ایران سهم به‌سزائی داشت. همین عضویت او در کمیته انقلاب، او را در مرکز وقایع مشروطه - حداقل در تهران - قرار می‌داد.

در کتاب تاریخ بیداری ایرانیان، مولف سعی کرده مطالب و موضوعات مربوط به اواخر دوران استبداد و آغاز مشروطه را نسبتاً بی‌پرده ذکر کند. او نامه‌های مجتهدین و علما و شب‌نامه‌ها و تلگرافات را صادقانه می‌آورد. اما تحلیل ناظم‌الاسلام به‌ندرت از سطح وقایع فراتر می‌رود؛ شاید قرار گرفتن در درون حوادث و عدم آشنایی او با روش‌های نوین تاریخ‌نویسی، سبب گردیده، نتواند به عمق مسائل دقیق شود. اما با وجود این، تاریخ بیداری ایرانیان به‌علت توجه به زندگی آحاد مردم، بهره‌گیری از اسناد، شب‌نامه‌ها و غیره برای شناخت تاریخ مشروطیت منبع مهمی به حساب می‌آید. این را نیز نباید فراموش کرد که مولف با زبانی ساده و روان به شرح جزئیات حوادث پرداخته است و این حوادث را با ذکر مکان و زمان آن‌ها بیان می‌دارد.

### کتاب‌نامه

- آجودانی، ماشالله. مشروطه ایرانی. تهران: نشر اختران، 1382.  
 آربن‌پور، یحیی. از صبا تا نیما. ج 4. تهران: زوار، 1372.  
 آژند، یعقوب. ادبیات نوین ایران. تهران: امیر کبیر، 1363.  
 اتحاد، هوشنگ. پژوهشگران معاصر ایران. ج 4. تهران: فرهنگ معاصر، 1380.  
 باستانی پاریزی، محمدابراهیم. «نامه ای از پاریس». مجله سخن. شهریور 1350. ش 240.



- براون، ادوارد. تاریخ ادبیات ایران. ج 4. ترجمه بهرام مقدادی. بی جا: بی نا، 1369.
- \_\_\_\_\_ . مطبوعات و ادبیات ایران. ج 2. ترجمه محمد عباسی. تهران: نشر معرفت، 1333.
- جمعی از نویسندگان. فرهنگ نامه نام آوران. ج 1. تهران: نشر طلائی، 1378.
- چرچیل، پ. جورج. فرهنگ رجال قاجار. ترجمه غلامحسین میرزا صالح. ج 1. تهران: نشر زرین، 1369.
- دولت‌آبادی، یحیی. حیات یحیی. ج 1. تهران: نشر جاویدان، 1362.
- دهخدا، علی اکبر. لغت‌نامه. ج 47. تهران: دانشگاه تهران، 1337.
- رائین، اسماعیل. انجمن‌های سری در انقلاب مشروطه. تهران: جاویدان، بی تا.
- زرین کوب، عبدالحسین. نقد ادبی. ج 2. ج 3. تهران: امیرکبیر، 1361.
- شمیسا، سیروس. سبک شناسی. ج 2. تهران: انتشارات دانشگاه پیام نور، 1375.
- شیرودی، مرتضی. «زنان پیش از مشروطه». مجله زمانه. س 5. شهریور 1385. ش 48.
- فرمانفرمایان، حافظ. «نکاتی چند درباره مشکلات تاریخ نویسی در ایران». بررسی‌های تاریخی. س 1. ش 5 و 6. اسفند 1345.
- کاتوزیان، محمدعلی همایون. اقتصاد سیاسی ایران. ترجمه محمدرضا نفیسی و کامبیز عزیزی. ج 7. تهران: نشر مرکز، 1379.
- کسروی، احمد. تاریخ مشروطه ایران. ج 17. تهران: امیرکبیر، 1373.
- ملک‌زاده، مهدی. تاریخ انقلاب مشروطیت. ج 1. ج 3. تهران: نشر علمی، 1371.
- ناتل خانلری، پرویز و یوسف هروی. اثرآفرینان. ج 6. ج 1. تهران: دانشگاه تهران، 1380.
- ناظم‌الاسلام کرمانی، میرزا محمد. تاریخ بیداری ایرانیان. به اهتمام علی اکبر سعیدی سیرجانی. ج 3. تهران: آگاه، 1361.
- نجمی، شمس‌الدین. گاهشمار تاریخ کرمان. ج 1. کرمان: مرکز کرمان‌شناسی: بی تا.
- نوایی، عبدالحسین. متون تاریخی به زبان فارسی. ج 1. تهران: سمت، 1376.
- هدایت، مهدی‌قلی‌خان. خاطرات و خطرات. ج 4. تهران: زوار، 1375.
- یزدانی، سهراب. کسروی و تاریخ مشروطه ایران. ج 2. تهران: نشر نی، 1383.



پروفیسر شگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی  
پرتال جامع علوم انسانی